همسرم که در ایران با محکومیت های متعدد مواجه و ممنوع الخروج گردیده بود هیچ راه گریزی نداشت لذا این بار نیز مجددا با سوءاستفاده از عواطف و احساسات صادق من و با گریه و التماس های ریاکارانه دست به دامان بنده و وکیل اینجانبه شد و قول داد که دیگر با من و فرزندانم سوءرفتار و سوءمعاشرت نداشته و تمامی حق و حقوق مرا رعایت کند و درخواست نمود که من وی را ببخشم و دستور ممنوع الخروجی وی از ایران را لغو نمایم که من هم به خاطر رضای خدا و سرنوشت فرزندانم و حفظ آبروی خانوادگی و همچنین توصیه وکیلم ،(با حفظ تمامی حق و حقوق شرعی و قانونی ام) ، دستور ممنوع الخروجی وی را لغو کردم و فقط با یکی از فرزندانم (فرزند کوچکم، محمد) به کشور امارات برگشتیم (اما فرزند بزرگم -علی- به دلیل عدم تمدید اقامه وی توسط همسرم و نیز به دلیل مواجهه با خدمت سربازی در ایران امکان خروج از ایران را نداشته و نتوانست به کشور امارات بیاید و الان تک و تنها و بلاتکلیف در کشور ایران به سر می برد) ، هنوز چند روزی از آمدن و فرزند کوچکم(محمد) نگذشته بود که مجددا آزار و اذیت ها و ظلم و ستمهای وی(خرجی و نفقه ندادن ، کتک زدن ، توهین و تحقیر و تهدید ، عدم تمکین ، کتک زدن های وی) بدتر از گذشته و به کرات شروع شد ، طوری که در طول مدت بازگشت به امارات ، دوبار مجبور شدم علیه همسرم شکایت کنم که بار اول باز تعهد داد که با من سوءمعاشرت و سوءرفتار نداشته باشد ولی آخرین بار که به شدت مرا با توهین و تهدید مورد ضرب و جرح قرار داد و گوشی موبایل مرا تخریب نمود مجبور به طرح شکایت نمودم که پرونده حاضر مربوط به آن شکایت اخیر من می باشد .

آری ؛ تنها عایدی ما از موقعیت شغلی بسیارخوب همسرم (مدیر فروش شرکت ) و حقوق بسیار بالای دریافتی او، بی حوصلگی ایشان و توهین و تحقیرو تهدید من و فرزندانم و متاسفانه کتک کاری شدید بنده بود .

ریاست محترم ، "ذِمَّتی بما اقول رهینه" و به خداوند متعال سوگند یاد می نمایم هرآنچه عرض کردم عین حقیقت بوده است . می خواهم اینبار رو در روی همسرم به وسعت 22 سال رنج و بدبختی و ذلتی که به من و فرزندان مظلومم داده فریاد بزنم که او چرا و چگونه مرا که به قول خودش همیشه برای وی یک زن خوب و مومن و پاکدامن بودم بی دلیل با قساوت و شقاوت تمام کتک می زند ؟ فریاد بزنم و بگویم که او چرا و چگونه با ضربات هولناک و وحشیانه بر سر و صورتم می کوبید که تا روزها در خود بپیچم و به خاطر آبرویم حرفی نزنم ؟ فریاد بزنم که چگونه مرا می زند طوری که به زمین می افتادم و پاهای مرا می گرفت و دهها متر بدن بی جان مرا روی زمین می کشید و با صدای بلند داد می زد که بچه ها ، من مادر شما را نمی خواهم ، من ناهید جعفری را نمی خواهم من از ناهید جعفری متنفرم ، به او(یعنی من) بگویید از این خانه برود ...، بگویم که چگونه با ظلم و ستمهای خود مراکه همیشه برای وی یک زن خوب و مومن و پاکدامن بودم منزوی و گوشه گیر کرده در حالیکه خود به تفریح و گردش خود می پردازد مرا تک و تنها در خانه رها می نماید ... و از محضر شما عالیمقام نیز استدعا دارم وفق موازین و مقررات شرعی و قانونی به شکایت حاضر من علیه همسرم دایر بر ترک نفقه من و فرزندانم رسیدگی و اتخاذ تصمیم فرمایید .